فرا رسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی را تسلیت می‌گوییم

Vol. 11 | No. 3082 | Thu. Jul 3. 2025 | پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴ | ۷ محرم ۱۴۴۶ | سال دوازدهم | شماره ۳۰۸۲ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام سکه	شاخص بورس
--	--	۸۲۹۹۵۰۰۰	۲۶۸۹۶۴۳

«تعادل» روند بازار سرمایه را بررسی می‌کند

حمایت دیرهنگام از بورس

صفحه ۴

پشت پرده هیجانات مجازی در بازار ملک

کاهش قیمت مسکن در حد شایعه

صفحه ۵

آیا واردات ۴۰ هزار خودرو، عطش بازار را کور می‌کند؟

موانع واردات خودرو

تعادل | با اعلام رسمی فهرست جدید قیمت محصولات ایران خودرو، تمامی خودروهای سواری این شرکت وارد بازه قیمتی بالای نیم میلیارد تومان شدند. بررسی لیست جدید قیمت محصولات سایپا هم نشان می‌دهد که قیمت خودروهای این گروه در بازه ۳۸۵ میلیون تومان تا ۸۳۷ میلیون تومان قرار گرفته است. در همین حال، دولت وعده واردات ۹۰ هزار دستگاه خودرو در سال ۱۴۰۴ را داده است، اما کارشناسان معتقدند این میزان برای تنظیم بازار کافی نیست. نیاز واقعی بازار خودرو ایران سالانه حدود ۱.۵ میلیون دستگاه است، در حالی که تولید داخلی پاسخگوی کامل این نیاز نیست و ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار دستگاه کسری وجود دارد. اگرچه واردات می‌تواند در کوتاه‌مدت اثر روانی مثبتی بر بازار بگذارد و باعث کاهش یا تثبیت قیمت برخی خودروها شود، اما در بلندمدت تأثیر پایداری نخواهد داشت...

صفحه ۷ را بخوانید

همکاری با آژانس تعلیق شد

مقابله به مثل ایران علیه سیاست‌های جنگ افروزان با امضای رییس جمهور

۲

یادداشت-۱

برندگان و بازندگان لاتاری بورس

علیرضا توکلی کاشی

با بروز نوسانات اخیر در بورس و قرمزپوش شدن بازار، این پرسش که چرا بورس کشورمان دچار چنین نزول، نوسان و تکانه‌ای شده است در محافل اقتصادی مطرح شد. مانند سایر رخدادهای اینچنینی دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص راه‌های مقابله با این بحران مطرح شد. برخی تحلیلگران معتقدند دولت با تزریق ۵۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی می‌تواند بازار را به سمت ثبات هدایت کند، گروهی دیگر از کارشناسان اما هرگونه دخالت دولت در بازار را باعث پیچیده‌تر شدن شرایط بورس ارزیابی کرده و با آن مخالفت می‌کنند.

به‌طور کلی معتقدم دولت نباید در بازارها دخالت کند و باید بازارها را آزاد بگذارد. در عین حال فکر می‌کنم در شرایط خاص و اضطراری مانند جنگ و زمان‌هایی که تنش‌های جدی در جریان است، حتما دولت‌ها باید ورود کرده و تنش‌ها را به حداقل برسانند. کما اینکه در سایر کشورها و در بطن رخدادهای دیگری مانند حادثه ۱۱ سپتامبر، بحران ۲۰۰۸ امریکا، جنگ روسیه و اوکراین و ...، دولت‌ها بیشترین مداخله را صورت دادند. بنابراین معتقدم هر دو اتفاق با هم باید در دستور کار تصمیم‌سازان و سیاستگذاران قرار گیرد. اما مهم‌ترین مشکلی که امروز در درون بازار سرمایه ایران وجود دارد، این است که ما لاتاری داریم که اسم آن را بورس گذاشته‌ایم. مکانیسمی که ما برای تعیین قیمت، نوسان قیمت، ایجاد سهم و محدودیت در دادن سهم‌ها و...داریم، وضعیت لاتاری مانندی را ایجاد کرده که باعث به وجود آمدن تعدادی بازنده و برنده در بورس شده است. هر روز افرادی در بورس رستگار می‌شوند و سودهای کلانی کسب می‌کنند و گروهی دیگر هم بازنده این بازی می‌شوند. این پیروزی یا شکست افراد هم هیچ ارتباطی با قدرت تحلیل آنها ندارد، بلکه یا شانسی است یا اینکه احتمالا به دسترسی آنها به اطلاعات خاص و افراد دارای نفوذ بستگی دارد. این روند بسبار مخرب است و حتما باید در بازار از بین برود. اسم رمز این ساختار شانسی، دامنه نوسان است که آسیب‌های بسیاری به بازار می‌زند. در بحث بعدی که حمایت دولت از بازار است فکر می‌کنم بسیاری از سهم‌های بازار ایران ارزندگی بسیاری دارند. جنگ ۱۲ روزه و حتی بحران‌های بیشتر از آن شرایط این سهم را بدتر نمی‌کند. اما بازار سهام دچار هیجان بسیار شدیدی شده و از بیش واکنشی و نگرانی‌های بیش از حد از رخدادهای آینده می‌ترسد. از سوی دیگر به هر دلیلی عده‌ای هم دنبال نقدشوندگی هستند تا بخشی از پول خود را نقد کنند و در مراحل بعدی آن را مثلا به طلا بدل تا سود بیشتری کسب کنند. در این بخش دولت می‌تواند به بازار ورود کرده و قبل از اینکه مساله دامنه نوسان را حل کند، منابعی را وارد بازار کند و بازار را به سمت تعادل بکشاند.

منظور من از خرید طلا، بیشتر صندوق‌های طلا و گواهی سپرده طلاست که در بورس خودمان وجود دارد. همه مردم می‌توانند از محل وجوهشان، فروش سهامشان یا فروش صندوق هاب ثابتشان این طلا را بخرند. تعطیل هم نیست و رونق خوبی دارد. اتفاقا تجربیات ۲ هفته اخیر که بازار طلا توسط بورس تعطیل شد و اخطارهایی که داده شد بعید می‌دانم در آینده حتی در صورت بروز تکانه‌های بیشتر بازارمان در بخش صندوق‌های ثابت و طلا تعطیل شود. بنابراین امکان خریداری طلا برای همه مردم وجود دارد و بعید است این روند متوقف شود. اما درباره پلتفرم‌های طلا من نگرانی دیگری دارم و شاید به خاطر همین نگرانی‌هاست که این پلتفرم‌ها، سیستم‌های خود را done کرده‌اند. علت این است که اتفاقی که برای نوین تکس، بانک پاسارگاد و بانک سپه رخ داد که مورد حمله سایبری قرار گرفتند، بسیار خطرناک بود. این بانک‌ها و موسسات هنوز از این بحران عبور نکرده‌اند. بانک سپه هنوز کاملا فعال نشده است. بسیاری از سرویس‌های بانک پاسارگاد فقط در شعبه داده می‌شود، برخی سرویس‌ها حتی در شعبه هم راه‌اندازی نشده‌اند. نوین تکس ۱۰ روز تعطیل بود و اخیرا فقط در حد نشان دادن دارایی‌ها فعال شده است. در این مورد ضروری است که پلتفرم‌ها امنیت خود را از منظر سایبری ارتقا داده و آسیب‌پذیری خود را (از کار افتادن، سرقت اطلاعات، تخریب سایت و...) به حداقل برسانند. به همین دلیل حتی پلتفرم‌هایی که مورد حمله قرار نگرفتند، سایت‌های خود را done کرده‌اند تا ابتدا نسبت به تقویت امنیتشان اقدام کرده و بعد سایت خود را بالا بیاورند.

ابزارهای کنترل اینترنت چگونه کسب‌وکارها را نشانه گرفته‌اند؟

خطر فروپاشی اکوسیستم دیجیتال ایران

در روزهایی که اقتصاد دیجیتال یکی از معدود مسیرهای امیدبخش برای عبور از بحران‌های مزمن اقتصادی ایران تلقی می‌شود، دو نهاد صنفی شاخص کشور با صدای بلند نسبت به فروپاشی این اکوسیستم هشدار داده‌اند. نامه‌های انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی و انجمن تجارت الکترونیک تهران، تصویری شفاف و نگران کننده از خسارت‌های روزافزون محدودیت‌های اینترنتی، انسداد کانال‌های تبلیغات دیجیتال، و نااطمینانی در تصمیم‌سازی‌های کلان ترسیم می‌کند؛ وضعیتی که اگر بی‌پاسخ بماند، نه تنها سرمایه‌گذاران را فراری می‌دهد، بلکه ستون اقتصاد دیجیتال را نیز فرو می‌ریزد. دو نهاد مهم در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور - انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی و انجمن تجارت الکترونیک تهران - در نامه‌هایی جداگانه به مقامات عالیرتبه دولت از جمله رییس جمهور، معاون اول، وزیر ارتباطات، وزیر صمت و رییس مرکز ملی فضای مجازی، نسبت به تبعات سنگین محدودیت‌ها و اختلالات اینترنتی هشدار داده‌اند. این دو نامه به شکلی کم‌سابقه بر یک مساله واحد تمرکز داشتند: خطر فروپاشی اکوسیستم دیجیتال ایران. به گفته انجمن صنفی...

صفحه ۶ را بخوانید

بررسی ابعاد انسانی، اجتماعی و روانی جنگ

تأثیر جنگ بر زندگی

گلی ماندگار | جنگ از کهن‌ترین و ویرانگرترین پدیده‌های تاریخ بشر است؛ رویدادی که ورای مرزها و ایدئولوژی‌ها، زندگی میلیون‌ها انسان را در ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرات جنگ تنها محدود به میدان‌های نبرد و نظامیان حاضر در آن نیست، بلکه تمام بافت‌های جامعه را در می‌نوردد و بر روان، اقتصاد، فرهنگ و حتی آینده نسل‌ها اثر می‌گذارد. جنگ با خود ویرانی می‌آورد. ویرانی خانه‌ها و زیرساخت‌ها، فروپاشی نظم اجتماعی، مرگ و جراحت انسان‌ها و مهاجرت اجباری میلیون‌ها نفر از سرزمینشان. اما تأثیر آن به همین جا ختم نمی‌شود؛ زخم‌هایی که جنگ بر روح و روان بازماندگان برجا می‌گذارد، گاهی عمیق‌تر و پایدارتر از آثار فیزیکی آن است. اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، افسردگی، اضطراب مزمن و احساس گناه بازماندگان از جمله این آسیب‌های روانی است که نه تنها فرد، بلکه خانواده و جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در عین حال، جنگ نقش‌ها و جایگاه‌های اجتماعی را هم تغییر می‌دهد. زنان و کودکان که اغلب...

صفحه ۸ را بخوانید

یادداشت-۲

تاثیر جنگ ۱۲ روزه در بازار مسکن

حسن محتشم

تاثیر جنگ ۱۲ روزه در بازار مسکن و حوزه‌های مرتبط با ساخت و ساز چگونه بوده است؟ آیا رکود بازار مسکن پس از تحولات اخیر پایان می‌گیرد یا عمیق‌تر می‌شود؟ در صورت توافق یا تداوم تنش چه احتمالاتی پیش روی بازار مسکن ایران قرار خواهد گرفت؟ قیمت مسکن در افق پیش رو کاهش می‌یابد یا بیشتر می‌شود؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست این روزها به کرات در رسانه‌ها و گپ و گفت فعالان اقتصادی مطرح می‌شوند. برخی معتقدند بازار مسکن به عنوان یک بازار اساسی، تاثیر چندانی از تحولات مقطعی اخیر و جنگ ۱۲ روزه نگرفته و به مسیر خود ادامه می‌دهد؛ گروه دیگری اما برخلاف این دیدگاه معتقدند تنش‌های ۱۲ روزه اخیر باعث تعمیق رکود بازار مسکن شده است. قبل از هر چیز باید به این واقعیت اشاره کرد که تحولات بازار مسکن متاثر از تحولات کلان اقتصاد ایران است. وقتی اقتصاد ایران در اثر جنگ ۱۲ روزه با تبعات و تحولاتی همراه باشد، بازار مسکن هم از آن تاثیر می‌پذیرد. اگر کسی ادعا کند جنگ ۱۲ روزه در بازار مسکن بی‌اثر بوده، یا اطلاعی از تحولات اقتصادی ندارد یا اینکه بنا به دلیلی فرامتنی یک چنین موضوعی را مطرح می‌کند. در نقطه مقابل اگر کسی بگوید که جنگ ۱۲ روزه بازار مسکن ایران را زیر و رو کرده و بازار مسکن از هم گسسته، او هم تحلیل معقولی از تحولات بازار مسکن ارایه نکرده است. اصولا جنگ‌ها بازارها را به سمت وضعیت معلق و غیرقابل پیش‌بینی سوق می‌دهند. نتیجه وضعیت تعلیق هم رکود و ریسک بالاتر اقتصادی و سکون سرمایه‌گذاری است. دلیل این سکون هم این است که توجه و تمرکز افکار عمومی متوجه مقوله دفاع و جنگ و نبرد و راه‌های مقابله با آن است. در واقع مردم در دوران بحران موضوعات مهم‌تری را دارند که به آنها توجه نشان دهند. این توجه و تمرکز در مورد بازار مسکن هم صدق می‌کند. در ایام ۱۲ روزه که مردم تلاش می‌کردند از آسیب‌های تنش دور بمانند شاید کمتر کسی بود که به فکر خرید خانه یا ملک یا زمین و مغازه باشد. این روند در تقاضای بازار مسکن اخلال ایجاد کرده و باعث رکود می‌شود. در نقطه مقابل، ممکن است برخی افراد و خانواده‌ها هم قصد فروش املاک خود را داشته باشند که باعث کاهش نسبی قیمت مسکن می‌شود. البته رکود در بخش مسکن موضوع تازه‌ای نیست و ایران ۳ سال است که بار رکود تورمی در بخش مسکن روبه‌رو است. یعنی هر چند قیمت‌ها بالا می‌رود اما خرید و فروش و داد و ستدی صورت نمی‌گیرد. تنش‌های اخیر این رکود را تشدید کرد. همان‌طور که در سایر بازارهای اقتصادی از جمله ارز، طلا، خودرو و بورس چنین تحولاتی رخ داد. در این شرایط شاهد اجرای پروژه‌های تازه در حوزه مسکن نخواهیم بود تا زمانی که بازار به سمت ثبات بیشتر حرکت کند. اگر حوزه سیاسی به سمت توافق پایدار گام بردارد، احتمال رونق در بازار مسکن وجود دارد. اگر آتش‌بس موقت ادامه‌دار باشد، نوعی از رونق نسبی را شاهد خواهیم بود و اگر تنش خدای ناکرده رخ دهد، بازار رکود بیشتری را تجربه می‌کند.

دورنمای پیش روی مسکن به مذاکره کنندو آینده بستگی دارد. اگر توافق حاصل شود، مسکن با رونق همراه می‌شود در غیر این صورت روند رکود فعلی ادامه‌دار خواهد بود. اگر تنش جدیدی شکل بگیرد، رکود تعمیق یافته و خریداران کمتری در بازار وجود خواهند داشت. در نقطه مقابل فروشندگان بیشتر خواهند بود و این روند باعث کاهش قیمت مسکن می‌شود، چراکه روند عرضه و تقاضا تغییر کرده است.

یادداشت-۳

اقتصاد ایران و اخلالگران

کامران ندری

نوسانات نرخ ارز حاصل برآیند مجموعه‌ای از عوامل مثبت و منفی است؛ عواملی که برخی از آنها می‌توانند به افزایش نرخ منجر شوند و برخی دیگر، جهت بازار را به سمت کاهش قیمت‌ها سوق دهند. طبیعتا مسائلی مانند آتش‌بس یا کاهش تنش‌ها در منطقه می‌توانند اثر مثبت بر بازار ارز داشته باشند و قیمت‌ها را کاهشی کنند؛ اما در مقابل، نگرانی‌هایی که نسبت به آینده وجود دارد، به‌ویژه نگرانی‌های سیاسی و اقتصادی، ممکن است به فشار افزایشی بر نرخ ارز منجر شود. تجربه بخش ارزی بانک مرکزی و شناخت دقیق آنها از محدودیت‌ها و قیود موجود، به آنها امکان می‌دهد تا تشخیص دهند که در چه زمانی باید مداخله کنند و تا چه اندازه و گاهی مداخله ضروری نیست و بازار خود به مرور به تعادل می‌رسد. اما در مواقع حساس، این ذخایر ارزی بانک مرکزی است که تعیین می‌کند میزان مداخله چقدر می‌تواند موثر باشد. اگرچه انتظار جهش در نرخ دلار را نداریم، اما در وضعیت فعلی، انتظار معجزه کردن هم واقع‌بینانه نیست. همین که جهش‌های شدید نرخ ارز تا حدی کنترل شود، نشان می‌دهد اقدامات انجام شده در همین چارچوب قابل دفاعند.

یکی از نکات مثبت این دوره، عدم هجوم مردم به بازار کالاهای اساسی بود؛ اتفاقی که از نظر روانی اهمیت زیادی دارد و نشان می‌دهد در فضای عمومی جامعه، درجه‌ای از اعتماد به توان مدیریت کشور وجود داشته است. واکنش مردم در بحران‌ها تابع میزان اطمینان آنها به تامین کالاهاست. اگر مردم مطمئن باشند که دولت می‌تواند نیازهای اساسی را تامین کند، طبیعتا تصمیمات آنها هم عقلانی‌تر و آرام‌تر خواهد بود. اما اگر ضعف در مدیریت یا پیام‌های نادرست از سوی مسوولان باعث ایجاد نگرانی شود، آنگاه رفتارهای توده‌ای می‌تواند وضعیت را پیچیده‌تر کند. نقش مدیریت در این مقاطع حیاتی است. هم در تامین ذخایر و هم در استفاده به موقع از آنها. همچنین ضروری است با اخلالگران و افرادی که ممکن است از فضای بحران سوءاستفاده کنند، برخورد جدی شود. در نهایت، این هماهنگی و انسجام مدیریتی است که می‌تواند اعتماد مردم را تقویت کند. نمی‌توان از مردم انتظار داشت صرفا اعتماد کنند؛ این اعتماد باید ساخته و تقویت شود. اگر به عوامل اصلی اثرگذار بر بازار ارز و اقتصاد اشاره کنیم، عوامل سیاسی بیشترین اثرگذاری را در اقتصاد و بازار ارز دارد. بنابراین مهم‌ترین عامل سیاسی است و سیاستگذاران کشور به هر روشی که مدنظرشان است باید چالش‌های سیاسی کشور را کاهش دهند و مسائل سیاسی و بین‌المللی را حل کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار پولی نهایت تلاش و توان خود را برای مدیریت و رفع چالش‌های اقتصادی به ویژه در نظام ارزی کشور به کار گرفته است. اما راهکار رفع این مسائل تنها در دستان بانک مرکزی و سیاستگذار پولی نیست، چراکه عوامل بسیاری که در ابتدا به آنها اشاره شد، در افزایش ریسک‌ها و شوک‌های اقتصادی کشور اثرگذار بوده که هیچ کدام از بخش‌های اقتصادی کشور عامل و علت آن نیستند، بلکه وضعیت اقتصادی فعلی را بیشتر باید معلول چالش‌های سیاسی دانست و مدیران کشور باید برای رفع چالش‌ها و مشکلات سیاسی تلاش کنند که ریشه اصلی چالش‌های اقتصادی در کشور است.

یادداشت-۴

بحران در بازار سرمایه

بهمن فلاح

هفته جاری برای بورس تهران با اتفاقاتی تلخ و کم‌سابقه همراه بود؛ تصمیم سازمان بورس برای بازگشایی زودهنگام بازار، در کنار عدم حمایت موثر طی سه روز نخست، منجر به شکل‌گیری صف‌های فروش سنگین و رفتارهای هیجانی در میان سرمایه‌گذاران شد. همزمان با این تصمیمات، نرخ ارز و قیمت سهام به سرعت افزایشی شد و ارزش کلی بازار کاهش قابل توجهی یافت. بر اساس آمارهای موجود، در سه روز نخست فعالیت بازار، حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی از بورس خارج شد و روز چهارشنبه نیز رقم خروجی نزدیک به ۱۳.۵ هزار میلیارد تومان بود؛ به عبارتی، تنها ظرف چهار روز، بیش از ۲۸ هزار میلیارد تومان معادل ۲۸.۵ همت از بازار سرمایه خارج شده است. این رقم، رکورد تازه‌ای برای بازار محسوب می‌شود و از بی‌اعتمادی عمیق سرمایه‌گذاران به سیاست‌های مدیریتی حکایت دارد.

نکته تامل‌برانگیز دیگر، واکنش دیرهنگام و ناکارآمد مدیران بازار پس از انباشت صف‌های فروش و تشدید فضای ناآرامی در بازار بود. حمایتی که در روز چهارم صورت گرفت، نه تنها نتوانست از خروج نقدینگی جلوگیری کند، بلکه با افزایش ابهام و نگرانی سهامداران، رکورد خروج پول از بازار را جابه‌جا کرد.

در این میان، اظهارات کلی و مبهم مقامات مسوول، صرفا به اعلام ارایه بسته‌های حمایتی یا وعده تامین اعتبار از منابع صندوق توسعه و بانک‌ها محدود شد؛ سیاست‌های شفافی که بتواند چشم‌انداز مثبتی برای بازار ترسیم کند، ارایه نشد. به باور تحلیلگران، مادامی که نرخ سود بانکی و نرخ موثر اوراق در کانال بالای ۳۵ تا ۳۶ درصد باقی بماند و بانک‌ها برای جذب سپرده رقابت دارند و نرخ سود به محدوده ۳۰ درصد هم رسیده است، انتظار بازگشت نقدینگی به بازار سرمایه غیرواقع‌بینانه است. کاهش نرخ سود بانکی به کانال زیر ۲۰ درصد یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی بازار سرمایه است؛ تدبیری که هم باعث اصلاح ترازنامه بانک‌ها و هم تقویت بازار سهام خواهد شد. همچنین واقعی‌سازی نرخ ارز و یکسان‌سازی آن، می‌تواند انگیزه خروج نقدینگی به سمت بازارهای موازی مانند ارز و طلا را کاهش دهد. تجربه سال‌های اخیر، به ویژه از مرداد ۱۳۹۹ تاکنون، نشان می‌دهد که تنها راهکار مدیریت بحران در سازمان بورس، محدود به بستن نمادها یا تغییرات در دامنه نوسان بوده است؛ رویکردی که امروز بیش از هر زمان دیگری، ناکارآمد و کم‌اثر ارزیابی می‌شود.

در پایان، فعالان بازار انتظار دارند که مسوولان سازمان بورس و سیاستگذاران، با شفافیت، برنامه‌ریزی دقیق و اقدامات به موقع، نسبت به مدیریت بحران‌ها و حمایت واقعی از بازار، اقدام کنند؛ در غیر این صورت، ادامه روند فعلی به تضعیف جدی اعتماد عمومی و تکرار خروج نقدینگی از بازار سرمایه منجر خواهد شد.

نکته

حمایت ۶۰ همتی بانک مرکزی از بورس راهکاری اصولی و پایدار است؟

حمایت بانک مرکزی از بورس، اگرچه در ظاهر با هدف ایجاد ثبات و جلوگیری از ریزش شاخص‌ها انجام شده، اما از نظر اقتصادی، نمی‌توان آن را راهکاری اصولی و پایدار دانست.

در روزهای اخیر، بانک مرکزی اعلام کرد که با همکاری سازمان بورس، مبلغ ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار از محل منابع نظام بانکی برای حمایت از بازار سرمایه اختصاص یافته است. اگرچه این اقدام در ظاهر با هدف ایجاد ثبات و جلوگیری از ریزش شاخص‌ها انجام شده، اما از نظر اقتصادی، نمی‌توان آن را راهکاری اصولی و پایدار دانست.

به گزارش آبان نیوز، بازار سرمایه جایی برای سرمایه‌گذاری واقعی و بلندمدت است، نه محلی برای حمایت‌های دستوری و پول‌پاشی. تزریق چنین اعتبار بزرگی از منابع بانکی، آن هم بدون اصلاح مشکلات ساختاری بازار، نه تنها به بازسازی اعتماد کمک نمی‌کند، بلکه ممکن است به شکل‌گیری دوباره حباب، افزایش رانت و در نهایت ضربه زدن به اعتماد عمومی منجر شود. از سوی دیگر، این اقدام باعث انحراف منابع بانکی از مسیر اصلی خود یعنی تولید، اشتغال و تامین مالی پروژه‌های اقتصادی می‌شود و حتی می‌تواند با افزایش نقدینگی در اقتصاد، فشار تورمی بیشتری ایجاد کند. در عمل، ما با پولی که باید صرف رشد واقعی اقتصاد شود، شاخص‌های بورسی را به طور مصنوعی بالا نگه می‌داریم؛ بدون اینکه سودی به حال تولید یا مردم داشته باشد.

تجربه کشورهای دیگر نشان داده که حمایت از بازار سرمایه تنها زمانی اثرگذار است که با اصلاحات عمیق همراه باشد؛ از جمله شفافیت مالی شرکت‌ها، حذف رانت‌های اطلاعاتی، واقعی شدن قیمت‌ها و بازسازی اعتماد عمومی. در غیر این صورت، حمایت مالی صرف، بیشتر به معنای فرار از حل مساله است تا درمان آن.

حمایت از بازار سرمایه لازم است، اما نه با پول‌پاشی، بلکه با اعتمادسازی و اصلاح ساختار. اگر اصلاحات انجام نشود، حتی صدها هزار میلیارد تومان دیگر هم نمی‌تواند بورس را از بی‌اعتمادی و رکود نجات دهد.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود درمورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.